

آثار کسب حلال در زندگی

انسان و جن به هدف عبادت خداوند آفریده شده‌اند (ذاریات، آیه ۵۶). البته براساس آموزه‌های قرآنی عبادت و بندگی یعنی انجام و ترک هر عملی به حکم و قصد الهی؛ یعنی خود را مطیع و تسلیم محض خدا دانسته و به پایدها و نیایدهایش عمل کند. پس هر چیزی می‌تواند رنگ عبادی گیرد، ما مسلمانان عادت کرده‌ایم فقط چند عمل از قبیل نماز و روزه و حج و خمس و زکات را امری عبادی بدانیم؛ در حالی از نظر آموزه‌های اسلام، هر کاری از کارهای روزمره زندگی می‌تواند یک عمل عبادی باشد. جالب اینکه اموری چون تولی و تبری یعنی دوستی یا بدوستان خدا و دشمنی یا دشمنان خدا، امر به معروف و نهی از منکر و جهاد علیه متجاوزان و ظالمان و مستکبران مستضعف‌کش از مهم‌ترین اعمال عبادی است که کمتر به آنها توجه داریم.

۲ شرط سالم بودن لقمه
بر اساس تعالیم اسلام، انسان باید ریشه‌ها را درست کند تا سایر اعمال عبادی‌اش درست شده و رنگ و روی خدایی بگیرد. از آنجا که لقمه‌ها، نطفه و فرزند و فکر و اندیشه و عمل را می‌سازد، باید مهم‌ترین کار در زندگی، توجه به لقمه‌هایی باشد که انسان به دست می‌آورد و می‌خورد و یا به خانواده‌اش می‌خوراند؛ زیرا این لقمه‌ها است که خون می‌شود و مغز و قلب آدمی را عیادت می‌بخشد. حال اگر این لقمه‌ها حلال و طیب باشند، فکر و عملی که تولید می‌کند پاک و خیر خواهد بود، وگرنه ناپاک و شر خواهد بود. از همین رو خداوند در قرآن بر دو شرط اساسی در لقمه‌های انسان تاکید دارد که شامل طیب و حلال بودن است.

پیامبر(ص) بر تهیه لقمه‌های حلال تاکید جدی دارد؛ زیرا حتی اگر لقمه‌های پاک و پاکیزه و طیب و سازگار باشد ولی مراعات حلال و حرام در آن نشده باشد و عقل و هوشیاری خود را از دست می‌دهد، احتکاری و مانند آنها باشد، این لقمه تاثیر منفی می‌گذارد و مانند خنثای است که از پای بست ویزان است و یا نقشی بر آب است که هیچ مابایی و پایایی ندارد. وقتی کسی شراب می‌خورد، خواسته و ناخواسته مست خواهد شد و عقل و هوشیاری خود را از دست می‌دهد، یا کسی که زهر مهلک می‌نوشد باید خود را برای تب و مرگ آماده کند، همچنین کسی که لقمه حرام می‌خورد باید بداند که نماز و روزه و حج و جهادش تحت تاثیر این حرام خواری قرار می‌گیرد و اندک این آثار اعمالش از مسیر عبادی خارج شده و شیطانی می‌شود و به جای خدا برای شیطان نماز می‌گزارد و حج شیطان گذاشته برای شیطان جهاد می‌کند و مظلومان و بی‌گناهان و مستضعفان و آوارگان را می‌کشد و خانه‌های آنان را ویران می‌کند.

فکر و اندیشه‌ای که در ذهن و قلب برخاسته از لقمه حرام پدید می‌آید، فکر پلید و عزم و عمل چنین شخصی جز فساد و افساد و تباهی نیست. بنابراین، افکار و اعمال چنین افرادی شیطانی می‌شود و در خدمت شیطان و اهدافش عمل خواهند کرد.

باید مهم‌ترین کار در زندگی، توجه به لقمه‌هایی

باشد که انسان به دست می‌آورد و می‌خورد و یا به خانواده‌اش می‌خوراند؛ زیرا این لقمه‌ها است که خون می‌شود و مغز و قلب آدمی را حیات می‌بخشد. حال اگر این لقمه‌ها حلال و طیب باشند، فکر و عملی که تولید می‌کند پاک و خیر خواهد بود، وگرنه ناپاک و شر خواهد بود.

باید مهم‌ترین کار در زندگی، توجه به لقمه‌هایی باشد که انسان به دست می‌آورد و می‌خورد و یا به خانواده‌اش می‌خوراند؛ زیرا این لقمه‌ها است که خون می‌شود و مغز و قلب آدمی را حیات می‌بخشد. حال اگر این لقمه‌ها حلال و طیب باشند، فکر و عملی که تولید می‌کند پاک و خیر خواهد بود، وگرنه ناپاک و شر خواهد بود.

براین اساس در اسلام مهم‌ترین و برترین عبادت ،کسب روزی حلال دانسته شده و پیامبر(ص) می‌فرماید: **العِبَادَةُ سِتْرُونَ جَزَاءُ أَفْعَلُهَا جَزَاءُ مَلَأَبِ الْأَحْلالِ**؛ عبادت هفتاد جزء است و بالاترین و بزرگترین جزء آن کسب حلال است. (مستدرک الوسائل، محدث نوری، ج ۱۳، ص ۱۲، ۱۴۵۸۵)

اینکه سخنی از هفتاد جزء برای عبادت می‌شود، از باب حصر نیست بلکه عدد هفتاد در دهگان نماد فرونی شمارگان است؛ یعنی اگر برای عبادت هفتاد جزء فکر کنیم، برترین این اجزای عبادت و بندگی خداوند کسب روزی حلال است؛ زیرا کسی که لقمه حلال کسب کند زمینه‌ای را فراهم می‌آورد تا عبادت‌های دیگری نیز درست و مناسب و سازگار باشد؛ و اگر لقمه حرام شد باید فاتحه دیگر اجزاء عبادت را خواند؛ زیرا کسی که حرام خواری دارد دیگر نمی‌تواند خلوص نیت داشته باشد و کاری را برای رضایت خداوند انجام دهد.

بهترین موارد مصرف

▪ **علی جواهردهی**

خداوند در کنار نماز به اتفاق توجه می‌دهد تارارش و اهمیت آن را تبیین کند. اما سوال این است که بهترین مصارفی که برای انفاقات مالی است، کدام است؟ بهترین‌های مالی خودمان را در کجاها و برای چه کسانی صرف کنیم؟ پویندنه با مراجعه به آموزه‌های قرآنی به این پرسش پاسخ داده است.

چپستی انفاق

انفاق از ریشه نفق در لغت به معنای اخراج مال از ملک (جمع‌البیان، ج ۱-۲، ص ۱۲۱) و در فرهنگ و اصطلاح قرآنی، اعلای چیزی از مال و غیر مال و از واجب و غیرواجب است. (مفردات اللفاظ قرآن کریم، راغب اصفهانی، ذیل واژه نفاق) در قرآن این مفهوم افزون بسر واژه «انفاق»؛ با واژه‌های دیگری چو



آن انقافی، مثبت و مورد نظر قرآن است

که در راستای کمالات الهی باشد. قرآن به این گونه انفاقات چه مالی و چه غیرمالی، ارزش و اهمیتی قائل شده و آن را در کنار نماز و عبادت خالص قرار داده و موجب رستگاری بشر دانسته است.

«عطی»؛ «پناه حق»، «پناه مال» و «صدقات» بیان شده است. باید توجه داشت این واژه در اصل به معنای سوراخ‌هایی است که جانورانی چون موش صحرایی حفر می‌کنند و با ایجاد توله‌های گوناگون راه‌های فرار و نیز حرکت خود را در جاهای گوناگون فراهم می‌آورند و خود را محدود به رفت و آمد از یک مسیر یا راه نمی‌کنند. چنین روشی به آنان امکان می‌دهد تا هر گونه برخوردند در حرکت و آمد و شد باشند و از دست دشمنان بگریزند بی‌آنکه در دام آنها بیفتند. از همین رو به طور مجازی در قالب واژه نفاق در معنای خدعه و مکر و حیله و دورویی به کار گرفته شده است؛ زیرا این روش، فرصت حرکت در جهت گوناگون و همچنین فرار را برای این دسته از افراد فراهم می‌کند.

پس واژه نفاق در معنی مشتقات آن در معانی مثبت و منفی به کار می‌رود؛ زیرا کسی که انفاق به معنای عطا و بخشش دارد، با دادن نفعه راهی را نه تنها برای دیگری برای عبور از مشکل فراهم می‌آورد، بلکه راهی برای خود نیز باز می‌کند در زمان مناسب از آن بهره‌مند شود. در حقیقت شخص با انفاق مالی و غیرمالی، راه‌هایی را برای عبور خود از بحران و مشکلات آینده می‌بوجود می‌آورد تا به سادگی از هر راهی از مشکل برهد و در دام نیفتد.

در آیات قرآن نفاق به معنای منفی و انفاق به معنای مثبت مورد استفاده قرار گرفته است. در این کتاب آسمانی از منافی سخن به میان آمده که با خدعه و نیرنگ، خود را مسلمان نشان می‌دهد تا از امکانات جامعه به ویژه امنیت و آرامش و آسایش آن بهره‌گیرد و در موارد نیاز در خدمت دشمن بیرونی و کافران باشد؛ از این روست که این دسته به عنوان دشمن سخت‌تر از کافران در جایگاه پست‌تر در دوزخ قرار می‌گیرند (نساء، آیه ۱۴۵)

اهمیت و ارزش انفاق

انفاق به معنای اخراج چیزی و بخشش به دیگری، می‌تواند مالی و غیرمالی باشد. این بخشش می‌تواند در جهت درست و نادرست نیز قرار گیرد؛ زیرا کسانی هستند که مال و ثروت و با علم و دانش خویش را برای پیشبرد کارهای زشت و ناپهتجار و یا قتل و نابودی مردم و طبیعت هزینه می‌کنند و با دست و دلبازی برای نابودی بشر و اختراع سلاح‌های گریزگار، از خود و مال و جان خویش مایه می‌گذارند؛ بنابراین، نمی‌توان هرگونه انقافی را مثبت ارزیابی کرد؛ بلکه تنها انقافی مثبت و سازنده است که برای پیشبرد اهداف انسانی – الهی باشد و موجب کمالی در انسان و طبیعت شود. امیرالمومنین(ع) می‌فرماید: بی‌تردید انفاق مال در طاعت خدا بزرگترین نعمت و هزینه‌کردش در معاصی بزرگترین مصیبت است. (غزواتکچو، ۳۷۶، حدیث ۸۴۲۶)

پس آن انقافی، مثبت و مورد نظر قرآن است که در راستای کمالات الهی باشد. قرآن به این گونه انفاقات چه مالی و چه غیرمالی، ارزش و اهمیتی قائل شده و آن را در کنار نماز و عبادت خالص قرار داده و موجب رستگاری بشر دانسته است. (بقره، آیه ۳).

برای اینکه اهمیت و ارزش انفاق به معنای اخراج مال از ملک خود و بخشش

برادینم باید به آثاری اشاره کنیم که خداوند در قرآن برای انفاق مثبت و سازنده

از نفقرین مظلوم باید ترسید

بارها ما را از آه و نقرین مظلوم ترسانده و گفته‌اند که آه مظلوم خاندان‌سوز است. پیامبر(ص) همدار داده و می‌فرماید: اتقوا دعوة المظلوم فانهما تصعد الی السماء كأنها شراة؛ از نقرین مظلوم بترسید که چون شعله آتش بر آسمان می‌رود. (نهج‌الفصاحه ص ۱۶۳ ، ج ۴)

شعله‌های سرکش‌ای و نقرین مظلوم هر کسی را بگیرد نابود و خانه خراب می‌کند؛ زیرا خداوند خود مدافع مظلوم است. اصلا بر اساس آیات قرآن هر کسی که در مقام اضطراب قرار گیرد و خالصانه خدایش را بخواند خداوند خود همدردار امور او می‌شود؛ زیرا چنین شخصی امور خویش را به خدا واگذار کرده و خدایش را وکیل خود قرار داده است. تفاوت وکالت خدا با انسان این است که خدا وقتی وکالت کسی را به عهده می‌گیرد، خود که مظلوم است مدافع مظلوم است. اما در وکالت کسی که در مقام اضطراب قرار گیرد و خالصانه خدایش را بخواند و وکالت کسی که در وکالت انسانی همان نصرت و یاری است.

حالا در نظر بگیرد یک خداوند ولایت مظلوم را به عهده گرفته و کالت این شخص را دارا است. در این صورت، خداوند همه کارها را به عهده می‌گیرد و کسی که به مظلوم ظلم روا دارد و او کسی را نداشته و تنها خداوند را وکیل و ولیّ خود قرار دهد، آن زمان خداوند مستقیم همدردار شده و طلب حق مظلوم می‌کند.

گفته شد که خداوند مهم‌ترین شرط استجابیت دعا و نقرین را اضطراب و خلوص دانسته است و می‌فرماید: **أَمْ يَحِبُّ الْمُظْطَرُّ إِذَا دَعَا وَتَكَشَّفَ الشَّوْءَ وَيَتَجَلَّكُمُ خَلْفَهُ الْأَرْضُ إِنَّهُ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَدَّكُرُونَ**؛ با کیست آن کس که در مانده را- چون وی را بخواند- اجابت می‌کند و گرفتاری را درخت‌های بی‌ریشه تشبیه می‌کند ذکر می‌کند. یکی از آنها «تقلید» است. البته قرآن با کلمه تقلید مطلب را بیان نکرده است، با تعبیر دیگر بیان کرده است. تعبیر قرآن تبعیت کوکوراانه از گذشتگان، از پدران، مادران، آباء و اجداد است. این هم از موضوعاتی است که قرآن روی آن زیاد تکیه کرده است و آن را منشأ لغزش و خطای بشری می‌داند و سخت انتقاد می‌کند. مثلا می‌گوید آنها چنین می‌گویند: «نا وجدنا آباءنا علی امة و انّا علی امة مقتدون»؛ اینها می‌گویند ما پدران خودمان را در طریقه‌ای یافته‌ایم و ما هم همان طریقه پدران خودمان را می‌گیریم و می‌رویم. به تعبیر امروز «سنتت‌گرایی»؛ حالا این تعبیر صحیح است یا غلط و بهتر از این هم می‌توانستیم تعبیر پیدا بکنیم؛

قرآن منشا‌هایی برای فکرهای بی‌ریشه که آنها را به درخت‌های بی‌ریشه تشبیه می‌کند ذکر می‌کند. یکی از آنها «تقلید» است. البته قرآن با کلمه تقلید مطلب را بیان نکرده است، با تعبیر دیگر بیان کرده است. تعبیر قرآن تبعیت کوکوراانه از گذشتگان، از پدران، مادران، آباء و اجداد است. این هم از موضوعاتی است که قرآن روی آن زیاد تکیه کرده است و آن را منشأ لغزش و خطای بشری می‌داند و سخت انتقاد می‌کند. مثلا می‌گوید آنها چنین می‌گویند: «نا وجدنا آباءنا علی امة و انّا علی امة مقتدون»؛ اینها می‌گویند ما پدران خودمان را در طریقه‌ای یافته‌ایم و ما هم همان طریقه پدران خودمان را می‌گیریم و می‌رویم. به تعبیر امروز «سنتت‌گرایی»؛ حالا این تعبیر صحیح است یا غلط و بهتر از این هم می‌توانستیم تعبیر پیدا بکنیم؛

معارفMaaref@Kayhan.ir

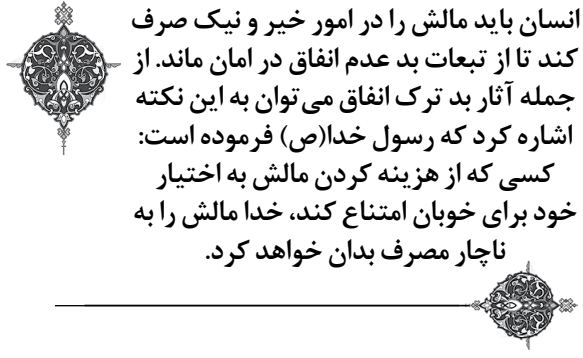
بهترین موارد مصرف

▪ **علی جواهردهی**

خداوند در کنار نماز به اتفاق توجه می‌دهد تارارش و اهمیت آن را تبیین کند. اما سوال این است که بهترین مصارفی که برای انفاقات مالی است، کدام است؟ بهترین‌های مالی خودمان را در کجاها و برای چه کسانی صرف کنیم؟ پویندنه با مراجعه به آموزه‌های قرآنی به این پرسش پاسخ داده است.

بیان کرده است.

از مهم‌ترین آثاری که قرآن برای انفاق در امور خیر و نیک بیان کرده می‌توان به حصول امنیت اجتماعی با انفاق در راستای تقویت بنیه نظامی و دفاعی (انفال، آیه ۶۰، بقره، آیه ۱۹۵)، رفع مشکلات اقتصادی مردم و جامعه (نور، آیه ۲۲)، آرامش درونی و روانی (بقره، آیات ۲۶۷ و ۲۶۸؛ آل عمران، آیات ۱۲۴ و ۱۲۶؛ مائده آیه ۱۲، انفاق، آیات ۳ و ۴)، دست‌یابی به مقام صالحان (منافقون، آیه ۱۰)، مقام محسنان و نیکوکاران (آل عمران، آیه ۱۱۲)، بهره‌مندی از امداد‌های خاص الهی (بقره، آیه ۲۷۰)، برخورداری از سسود (بقره، آیه ۲۷۲؛ محمد، آیه ۲۸؛ تغابن، آیه ۱۶)، بهره‌مندی از برکت الهی (بقره، آیات ۲۴۵ و ۲۶۱ و ۲۶۵)، تزکیه و خودسازی (لیل، آیات ۱۸ و ۲۰)، تجارت زوال‌ناپذیر با خدا (فاطر، آیه ۲۹)، بهره‌مندی از شکر الهی در قالب ازدیاد هویت وجودی (فاطر، آیات ۲۹ و



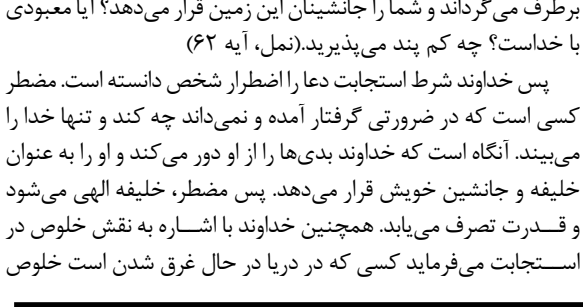
انسان باید مالش را در امور خیر و نیک صرف کند تا از تبعات بد عدم انفاق در امان ماند. از جمله آثار بد ترک انفاق می‌توان به این نکته اشاره کرد که رسول خدا(ص) فرموده است: کسی که از هزینه کردن مالش به اختیار خود برای خوبان امتناع کند، خدا مالش را به ناچار مصرف بدان خواهد کرد.

۳۰، تغابن، آیه ۱۷)، دست‌یابی به تقوای الهی (بقره، آیه ۱۷۷؛ لیل، آیات ۱۷ و ۱۸)، تکامل و رشد معنوی و هویتی (بقره، آیات ۲۶۱ و ۲۶۵)، ره توشه سفر آخرت (بقره، آیه ۲۵۴، ابراهیم، آیه ۳۱، منافقون، آیه ۱۰)، جبران مال انقافی از سوی خدا (سبأ، آیه ۳۹، جلب دعای خاص پیامبر (توبه، آیه ۹۹)، رحمت الهی (توبه، آیه ۹۹)، فلاح و رستگاری (بقره، آیات ۲ و ۱۰، تغابن، آیه ۱۶)، صداقت (بقره، آیه ۱۷۷)، فرجام نیک (زبد، آیه ۲۲)، محبت خدا (بقره، آیه ۱۹۵) آل عمران، آیه ۱۳۴)، مقام ابرار (آل عمران، آیه ۹۲)، مقام مختبین (حج، آیات ۳۴ و ۳۵) هدایت (بقره، آیه ۲ و ۵) و مانند آنها اشاره کرد. در روایات نیز به آثار انفاق در زندگی دنیوی و اخروی و نیزمادی و معنوی بشر اشاره شده است. به عنوان نمونه رسول خدا(ص) فرموده است: ارض القیامه نار ما خلا ظلال المومن، فان صدفته نطفله، زمین قیامت یک پارچه آتش است، مگر سایبان مومن، زیرا صدقه مومن او را در سایه خود می‌پوشاند. (کافی، ج ۴، ص ۳، باب فیصل الصدقه، حدیث ۶؛ ثواب الاعمال: ص ۱۴۰؛ بحار الانوار، ج ۷، ص ۲۹۱، باب ۱۵، حدیث ۲)

حضرت امام صادق(ع) درباره نقش رشد و نمو انفاق با آنکه ظاهر انفاق همان اخراج مال است، فرموده است: انفق و ایقن بالخلفه؛ از مال خود را در راه خدا هزینه کن و یقین داشته باش که آنچه را در خدمت خدا بجزایری دارد. (جامع‌الاصحبار، ص ۱۷۸، الفصل الحادی و الاربعون؛ بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۱۳۰، باب ۱۴، حدیث ۵۷).

ترک انفاق و بیخ در این زمینه نیز آثار بدی دارد که از جمله آن پیامندی است که امام صادق(ع) در روایتی می‌فرماید: ملعون ملعون من هبناه له مالا فلم يتصدق منه بشيء؛ «ز رحمت خدا دور است کسی که خدا مالی به او بخشیده و او چیزی از آن را صدقه نمانده است. (وسائل‌ الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۸۰، باب ۴۱، حدیث ۲۱۵۵۵).

انسان باید مالش را در امور خیر و نیک صرف کند تا از تبعات بد عدم انفاق در امان ماند. از جمله آثار بد ترک انفاق می‌توان به این نکته اشاره کرد که رسول خدا(ص) فرموده است: من منع ماله من الاخيار اختیارا صرف الله ماله الی اهل البیت و اشرارها؛ کسی که از هزینه کردن مالش به اختیار خود برای خوبان امتناع کند، خدا مالش را به ناچار مصرف بدان خواهد کرد.(هدایه‌العلم، ص ۷۰).



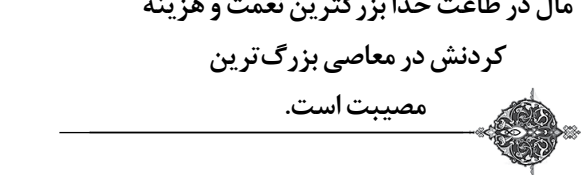
نمونه‌ای از آتش پرستی‌های قدیم است که تنها چیز خوبی نیست بلکه خیلی چیز بدی هم هست- همین را می‌گویند فقط برای اینکه به قول اینها فرهنگ را (این فرهنگ، معایش علم و فلسفه نیست بلکه به معنی سنت است) باید زنده نگه داشت. ولی همین اقاایشان وقتی که پای تاریخ به میان می‌آید می‌گویند حالا چه فرق دارد که ما مبدأ تاریخ را مبدأ مسیحی بگیریم یا مبدأ اسلامی؟! (مجموعه آثاراستاد شهید مطهری ج ۲۷، ص ۲۹۶)

آتش روشن کردن شعار آتش‌پرستان است. از روی آتش پریدن در چهارشنبه‌بخر سال در اسلام بوی کفر می‌دهد. «سرخ‌ تو از من زردی من از تو» در اسلام شرک و کفر است. آتش اینها شعار گریها و آتش‌پرسته‌هاست. اسلام برای مبارزه کردن با اینها آمده. اسلام دین ازان و پدری لا اله الا الله است. (مجموعه آثار استاد شهید مطهری ج ۲۵، ص ۳۷۸)

مُتَأَسِّفانه پارهای خرافات هم اکنون در میان برخی ایرانیان وجود دارد و قبیول پریدن از روی آتش در چهارشنبه آخر سال و سوگند خوردن به سوی(نور) چراغ که از بقایای ما قبل اسلام است، و این وظیفهٔ اسلامی است که با مقیاس‌های اصولی اسلام عقاید پاک و خالص اسلامی را از کدورت اندیشه‌های جاهلی همیشه دور نگاه دارند. (مجموعه آثار استاد شهید مطهری ج ۱۷، ص ۱۱۶)

نمی‌توان هرگونه انقافی را مثبت ارزیابی کرد؛ بلکه تنها انقافی مثبت و سازنده است که برای پیشبرد اهداف انسانی – الهی باشد و موجب کمالی در انسان و طبیعت شود.

امیرالمومنین (ع) می‌فرماید: بی‌تردید انفاق مال در طاعت خدا بزرگترین نعمت و هزینه



البته در انفاق باید از زیاده‌روی پرهیز کرد، چنانکه خداوند به پیامبرش می‌فرماید: و دستت را (در اثر بخل) به گردنت زنجیر مکن و بسپار (اهم) گذشته‌دستی منما تا ملامت شده و حسرت زده بر جای مانی. (اسراء، آیه ۲۹)
شخص ساجد(ع) نیز بر اساس این اصل قرآنی فرموده است: آن من اخلاق المومن الانقافی علی قدر الاقتار؛ بی‌تردید از خصلت‌های مومن هزینه کردن مال در حد تنگدستی است. (کافی، ج ۲، ص ۲۴۱، باب المومن و علامه‌ها، حدیث ۳۲۶؛ تحف العقول، ص ۲۸۲).

بهترین مصارف و موارد انفاق

انفاق یعنی بخشش از چیزی که انسان در اختیار دارد و می‌تواند به دیگران بدهد. این چیزی می‌تواند علم باشد، یا مال و ثروت و یا حتی انفاق محبت و همدلی و همدردی با دیگران. ما آنچه در اینجا مراد است همان انفاق مالی است. بهترین مصارفی که در آیات و روایات برای انفاق مالی بیان شده عبارتند از: **۱- خویشاوندان**: از مهم‌ترین موارد مصرف انفاقات مالی، خویشاوندان است. هر چه شخص به انسان نزدیک‌تر باشد وظیفه و تکلیف، شدیدتر و سخت‌تر خواهد بود. خدا باید اول به حکم وظیفه انفاقات مالی واجب را درباره خویشان واجب النفقّه انجام دهد و سپس خویشان نیازمند. در آیات قرآن بر این مورد مصرف بسیار تاکید شده است. (بقره، آیه ۱۷۷؛ نساء، آیه ۸؛ اسراء، آیات ۲۶ و ۲۸)

۲- فقیر و مسکین: فقیر کسی است که قدرت حرکت دارد ولی توان ایستادن روی پای خود را ندارد؛ زیرا همانند درخت تاک است که نیازمند پایهای است تا بدان تکیه کند و دارستی می‌خواهد که بر آن بیاویزد تا راست بماند. در حقیقت ستون فقراتی ندارد تا بر آن استوار گردد. فقیر از نظر اقتصادی درآمدی دارد ولی این درآمد نمی‌تواند او را سرپا نگه دارد؛ در حقیقت اقتصاد که خواص فرد و جامعه مستون خیمه خانواده و جامعه است (نساء، آیه ۵)، در خصوص فقیر ضعیف و سست است و درآمد، کفاف خرج و هزینه‌هایش را نمی‌دهد و لذا نیازمند کمک و انفاقات مالی دیگران است تا سرپا بماند. اما مسکین کسی است که نشسته و توان حرکتی ندارد چه رسد که سرپا بماند. وضعیت او بدتر از فقیران است. بنابراین، اگر وضعیت فقیر همانند وضعیت کسی است که نیازمند ولایت و سرپرستی است؛ یعنی او همانند کودک شیرخوار است که باید غذا را در دهانش گذاشت. پس مسکین، نیازمند سرپرستی دیگران است تا از عهده مخرارج خود برآید؛ چرا که هیچ درآمدی ندارد و یا توان آن را ندارد تا در بی کسب و کاری برود و درآمدی داشته باشد. براین اساس باید گفت نخستین و برترین مورد انفاق آن است که انسان به چنین شخصی کمک کند و او را تحت ولایت انقافی خود بگیرد. (بقره، آیات ۲۱۵ و ۱۷۷؛ نور، آیه ۳۲؛ نساء، آیه ۸؛ روم، آیه ۳۸)

۳- جهاد در راه خدا: حفظ امنیت جامعه، از امنیت فردی مهمتر و بنیادی‌تر است. از این رو، انفاق مالی برای تجهیز نفرات و ادوات بسیار مهم و اساسی است. خداوند در آیات قرآن، یکی از مصارف انفاقات مالی را جهاد دانسته و از آن به جهاد مال تعبیر کرده است. (انفاق، آیه ۶۰؛ بقره، آیات ۲۴۴ و ۲۴۵ و ۱۹۲ و ۱۹۵)

۴- درخواست‌کنندگان و سالان: لزوم صرف مال، در راه رفع نیازمندی سالان در آیه ۱۷۷ سوره بقره مورد تأکید قرار گرفته است. براساس همین آیه انفاق مال به درخواست‌کنندگان از نشانه‌های صداقت انسان است و خداوند در آیات ۱۵ تا ۱۸ سوره ذاریات آن را به عنوان حق برعهده افراد دارا دانسته است؛ به این معنا که سالان در مال انسان شریک به شراکت مشاع هستند و باید این حق پرداخت شود.

۵- در راضاندگان و این‌سبیل: از دیگر موارد مصرف انفاقات مالی است، «خردان» خداوند مال را به در راه ماندگان از نشانه‌های تقوا و موجب رسیدن به مقام «بَرّ» دانسته است. (بقره، آیات ۲۱۵ و ۱۷۷؛ اسراء، آیات ۲۶ و ۲۸)

۶- فقیران عقیقه: فقیران خویش‌نار و ناتوان از کسب، از مصارف انفاق است. (بقره، آیه ۲۷۲)

۷- والدین: از نظر قرآن انفاق مالی نسبت به والدین فقیر، جزو واجبات است؛ یعنی در حکم واجب النفقّه خواهند بود. از این رو، هم آنان در اولویت هستند و هم ضروری است که به آنان کمک شود. (بقره، آیه ۲۱۵)

۸- یتیمان: از دیگر موارد مصرف انفاقات مالی، یتیمان ناتوان است. (بقره، آیات ۲۱۵ و ۱۷۷؛ اسراء، آیه ۸)

۹- مهاجران فقیر: لزوم توجه توارگان به مهاجران نیازمند و انفاق به آنها در آیات قرآنی به عنوان یکی از موارد مصرف انفاقات مالی مطرح شده است. (بقره، آیه ۲۷۲؛ نور، آیه ۲۲)

البته موارد دیگری نیز بیان شده است، ولی مهمترین و ضروری‌ترین آنها، همین موارد پیش گفته است.

دارد، همسان خلوص و اضطراب در حال دعا نیزست تاثیر خود را می‌گذارد حتی اگر پس از آن یا قبل آن اضطراب و خلوص نداشته باشد، چنانکه می‌فرماید کسانی که با اخلاص در حال غرق شدن دعا می‌کنند ، پس از نجات شرک می‌ورزند و خلوص خود را از دست می‌دهند؛ او کسی است که شما را در خشکی و دریا می‌گرداند، تا وقتی که در کشتی‌ها بنشیند و آنها با بادی خوش، آنان را ببردند و ایشان بدان شاد شوند .آیه نگاه‌آ بادی سخت بر آنها وزد و موج از هر طرف بر ایشان تازد و یقین کنند که با او محاصره افتاده‌اند، در آن حال خدا را پاکدلانه می‌خوانند که: «اگر ما را از این لوطه نجات دهی، قطعاً از سپاسگزاران خواهیم شد.» پس چون آنان را رهازند، نگاهان در زمین بناحق سرکنشی می‌کنند. ای مردم، سرکنشی شما فقط به زیان خود شماست. [شما] بهره زندگی دنیا را نمی‌طلبید، اسب بازگشتند و زمین به سوی ما خواهد بود. اینگونه شما را از آنچه انجام می‌دادید باخیر خواهیم کرد.(یونس، آیات ۲۲ و ۲۳)

سنت‌هایی که از اجداد و نیاکان به ما رسیده است باید در این چارچوب ساماندهی و ارزیابی شود. برخی از این سنت‌ها خرافات است و هیچ دلیل منطقی عقلی و عقلانی آن را تأیید نمی‌کند. اگر به این سنت‌ها عمل کنیم همانند غیرمتمدن‌ها خواهیم بود که دیگران ما را به تمسخر می‌گیرند.
ملتی فرهنگی است که سنت‌هایی که به آن عمل می‌کند، عقلانی و عقلایی باشد و فایده‌ای داشته باشد. از این رو اسلام نوروز را تأیید می‌کند زیرا موجب صلح روحی و تحکیم خانواده و انسجام اجتماعی می‌شود؛ اما چهارشنبه سوری چه فایده‌ای دارد؟ چه دلیل عقلی و عقلانی آن را پشتیبانی می‌کند؟

دیگران درباره ما چه قضاوتی می‌کنند؟ بدتر از آن اینکه امروز این سنت خرافی به یک فاتحه تبدیل شده و انواع و اقسام مواد منفجره، کوری و کری و سوسوختگی را به دنبال دارد اگر نگوییم موجب مرگ دیگران و آزار خودمان می‌شود و بسیاری از آسیب‌های روحی و روانی جبران‌ناپذیر که به مردم وارد می‌گردد.

صفحه ۸
سه‌شنبه ۲۵ اسفند ۱۳۹۴
۵ جمادى‌الثانى ۱۴۲۷ – شماره ۲۱۳۰۵



چراغ راه

در خستکاری صدقه جاریه

قال رسول‌الله (ص): «من نصب شجرة و صبر علی حفظها و القيام علیها حتی تثمرکان له فی کل شی یصاب من ثمرها صدقه عندالله»

پیامبر گرامی(ص) فرمود: هر کس درختی بکارد و در نگهداری آن بکوشد تا میوه دهد، در برابر هر چه از آن میوه به دست آید، صدقه و پاداشی نزد خدا خواهد داشت.^(۱)

۱- میزان الحکمه، ح ۹۱۴۳

حکایت خوبان

شیوه نهال کاری

پیامبر اکرم(ص) فرمود: برادرم عیسی از شهری می‌گذشت. در حالی که میوه‌های باغ آن‌ها آفت زده بود. مردم نزد او شکوه بردند. او فرمود: آفت‌زدایی اینها به دست خودتان انجام می‌گیرد که نمی‌دانید. شما هنگام درختکاری نخست پای نهال خاک می‌ریزید، در حالی که باید ابتدا آب بر ریشه‌های نهال بریزید سپس خاک بریزید تا کرم زده نشوند. پس آن نهال کاری را به این سبک آغاز کردند و آفت‌زدایی شد^(۱)

۱- وسایل‌الشیعه، ج ۱۹ ص ۳۲



پرسش و پاسخ

رابطه بهار و قیامت

پرسش:

در روایاتی آمده است که هرگاه بهار را دیدید بسیار از قیامت یاد کنید. سوال اصلی این است که چه رابطه‌ای میان بهار و یاد قیامت وجود دارد؟

پاسخ:

طبیعت باغ و پاییزی یکی از نشانه‌های خدا، سرشار از درس و عبرت است. دلی که بیدار است، در هر پدیدهای عبرتی می‌بیند و از هر نشانه‌ای، درسی می‌آموزد. بیداردلان، از بهار، درس تحول و نوشدن می‌آموزند.

تأمل و تفکر در خصوص آمدن فصل بهار و زنده شدن دوباره طبیعت باعث می‌شود که یان قدرت پروردگار متعال را در می‌راندن و زنده کردن عالم و آدم درباییم. ثانیاً ما نیز کمتر از طبیعت نباشیم و درس دگرگونی برای بهتر شدن و شکوفایی و طراوت بیاموزیم و ثالثاً تصویری نمادین از روز رستاخیز و زنده شدن انسانها در ساختی نور را در ذهن خود مجسم کنیم. به امید بهاری تازه در روح و جان همهٔ مومنان و پویندگان مسیر تکامل.

رسول اکرم (ص) فرموده است: **«إِذَا رَأَيْتُمُ الزَّبِيعَ فَاتَكْوَمُوا ذِکْرَ النَّشُورِ»** (تفسیر زاری، ج ۱۷، ص ۱۷۶) هرگاه بهار را دیدید بسیار از قیامت یاد کنید.

خداوند در آیات بسیاری به مسئله رستاخیز انسان از توجه می‌دهد؛ زیرا توجه کردن و تذکر دایمی انسان به رستاخیز و معاد، به معنای تغییر مهم در بینش و نگرش آدمی است به گونه ای که فلسفه زندگی انسان در دنیا به‌طور کامل دگرگون می‌شود و رفتارهایش در دنیا نسبت به خود و دنیا و دیگران به گونه ای دیگر تغییر ماهیت می‌دهد. کسی که آخرت را پذیرفته، دارای فلسفه‌ای خواهد بود که دنیا را به عنوان بل و گذرگاه می‌بیند و می‌خواهد به گونه ای عمل کند تا در آخرت زندگی متناسب داشته باشد؛ از این رو تلاش می‌کند که نظر و رفتار او پروردگارش را در هر زمینه کوچک و بزرگ داشته باشد و زندگی خود را براساس این برنامه الهی سامان دهد.

بسیاری از مردم هر چند که به رستاخیز باور دارند، ولی به سبب اشتغال به دنیا و وسوسه‌های شیطانی و زیبایی‌های فریبی‌ای دنیا، هدف غافل می‌شوند و برخلاف برنامه‌های رشدی عقل و وحی، رفتار می‌دهند. از این رو خداوند در اشکال گوناگونی، همواره هشدارهای متعددی را براساس سطح درک و فهم گوناگون انسان‌ها، ارسال می‌کند. این هشدارها در طبیعت درونی و بیرونی ما فراوان یافت می‌شود. علایم‌های آن را می‌توان به سادگی از همه سو دریافت کرد و هشدارها و اندازهای گوناگون را دید و شنید و بیدار و هوشیار شد. البته این در صورتی است که انسان با گناهان بسیار درجه‌ای ارتباطی خود را مسدود نکند و پرده بر گوش و چشم نبکند و قلب را مهمور و مختمو نساند. (بقره، آیات ۸ تا ۱۰، مطفقین، آیه ۱۴ و آیات دیگر)

فهرت به سبب اندک این تغییرات و تحولات را به خوبی نشان می‌دهد، چرا که نظیری برای درک و فهم حقیقت زندگی دنیوی و رستاخیز است. انسان‌ها باید با بردن کودکان خویش به درون طبیعت و گردشگری در آن، این فرصت را به کودکان بدهند تا با حقیقت زندگی آشنا شوند. کودکان با حضور در طبیعت و طبیعت‌گردی در